

اولین سالگرد درگذشت صفر قهرمانیان گرامی باد

قلب مهربان و پر از عشق صفر قهرمانیان سال گذشته در ۱۹ آبان ۱۳۸۱ در سن ۸۱ سالگی از تپش باز ایستاد و آذربایجان یکی از قهرمانان رزمنده و مقاوم خود را از دست داد.

نام صفر قهرمانیان امروز برای بسیاری از مبارزان سیاسی و مردم آذربایجان آشناست و هر روز تعداد زیادی در نقاط دیگر جهان با این شخصیت بزرگ آذربایجان آشنا میشوند.

صفر قهرمانیان ۳۰ سال در زندانهای مخوف حکومت سلطنتی و شاهنشاهی ایران و دو سال در زندانهای عراق به بند کشیده شده و سخت‌ترین شرایط غیر انسانی و انواع شکنجه‌ها را متحمل شده بود بطوریکه از تصور هر انسانی خارج است.

صفر قهرمانیان ۳۲ سال در زندانها مبارزه و مقاومت کرد و بعنوان قدیمی‌ترین، رزمنده‌ترین، خستگی ناپذیرترین، صادق‌ترین و با سابقه‌ترین زندانی سیاسی رکورد مقاومت و زندانی شدن را در جهان شکست و نلسون ماندلا با ۲۸ سال مقاومت در زندان در مقام دوم قرار گرفت.

صفر قهرمانیان در سال ۱۳۰۰ شمسی در روستای شیشوان در نزدیکی عجب شیر متولد شد و تا کلاس ششم ابتدائی درس خواند و بعد به کمک ملاها به آموزش قرآن پرداخت.

در آن دوره حاکمیت اربابان، زورگویی و ظلم آنها به رعیتها موجب ایجاد نفرت و روحیه ضد فئودالی در صفر گردید.

صفر در سن ۲۱ سالگی برای مبارزه با بی عدالتها و ظلمها، به همراه سه تن از دوستان نزدیک خود بنامهای حیدر آفاقی، احمد فخری نژاد و محمد مفردی یک گروه مسلح تشکیل داده و به جنگ با اربابان حوالی پرداختند. این سه جنگجوی انقلابی بعد از اشغال آذربایجان توسط ارتش و دولت شاهنشاهی، دستگیر و اعدام شدند.

با گسترش مبارزه کمونیستها در آذربایجان صفر قهرمانیان ایدئولوژی مارکسیستی و کمونیستی را پذیرفته و در سال ۱۳۲۴ به فرقه دمکرات پیوست. صفر با درجه سروانی فرماندهی بخشی از نظامیان آذربایجان را به عهده گرفت و مردم برای ادعای احترام، او را صفر خان صدا می‌کردند. در همین زمان صفر خان با دختری بنام ملوک باقرپور ازدواج کرد و آنها صاحب دختری بنام مهین شدند.

در آذر ماه ۱۳۲۵ دولت شوونیست فارس به اراضی آذربایجان لشکرکشی کرد و بعد از کشتار و قتل عام شهرها و سقوط دولت آذربایجان، صفر خان با گروهی از فدائیان به کردستان رفتند تا دوشادوش پیشمرگان جمهوری کردستان با دشمن اشغالگر بجنگند. متأسفانه کردستان هم مورد حمله قرار گرفت و به سرنوشت آذربایجان دچار شد و در نتیجه صفر خان به همراه پیشمرگان و زنان و کودکان بی دفاع به عراق عقب نشینی کردند.

نیروهای نظامی عراق صفر خان را دستگیر و در شهر اربیل او را دو سال شکنجه و در بدترین شرایط زندانی کردند.

صفر خان بعد از رهائی از زندان شوونیستهای عرب، در زمستان سال ۱۳۲۷ مخفیانه وارد ایران، شد ولی او در ۱۸ اسفند در ارومیه شناسایی و دستگیر شد و در روزهای عید و بهاری سال ۱۳۲۸ در سلول انفرادی زندانی شده بود.

بعد از دو سال بلاتکلیفی، صفر خان در سال ۱۳۲۹ به تبریز منتقل شده و در دادگاه نظامی تبریز به اتهام جنگ مسلحانه علیه دولت و داشتن افکار کمونیستی به اعدام محکوم شد.

صفر خان به حکم غیرمنصفانه و ناعادلانه دادگاه نظامی اعتراض کرده و پرونده او بخاطر رشد مبارزات توده‌های فقیر و سرکار آمدن دولت تازه مصدق به دادگستری محول شد ولی بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲، مجدداً پرونده صفر خان بدست دادگاه نظامی بررسی شد و در سال ۱۳۳۳

حکم اعدام به حکم ابد تقلیل یافت.

او در زندان تبریز علیه محرومیتها، بی حقوقیها، انواع آزارها و توهین مبارزه سازمان داده و در راس مبارزه زندانیان قرار گرفت و به همین دلیل صفرخان را به زندان ارومیه و بعدا در سال ۱۳۳۷ او را به زندان وحشتناک، گرم و سوزان برازجان منتقل کردند. صفرخان انسانی نترس بوده و روحیه شکستناپذیر داشت او سمبل عشق، صمیمیت و پایگاه امید، مقاومت و شهادت برای دیگر زندانیان بود.

صفرخان هر ساله در هر شرایطی بنا به سنت کمونیستی، روز اول ماه مه، روز کارگر را جشن می گرفت و شراب دست ساز خودش را به اتفاق دیگر مبارزین به مناسبت روز کارگر می نوشید. در سال ۱۳۴۱ همسر وفادار صفرخان زندگی را بدرود گفت و تنها دخترشان تنها ماند و صفرخان در سال ۱۳۴۶ فقط برای اولین بار دخترش را بهمراه داماد و دو نوه اش ملاقات کرد. بعدها صفرخان به زندان قصر و بعد از مدتی به زندان اوین منتقل شد. در این سالها ماموران ساوک و، کمیته مشترک، فشارها و شکنجه ها را زیادتر کردند تا با شکستن اراده و روحیه صفرخان او را وادار به تسلیم و توبه کنند ولی او نمی خواست با ندامت نامه و قبول ننگ از اسارتگاههای شوونیستهای فارس آزاد شود و همیشه جواب او به جلادان، کلمه کوتاه و آشنای،، یوخ،، بود. سرانجام در سال ۱۳۵۷ مردم انقلابی به زندانها یورش برده و درها را شکستند و بدین ترتیب صفرخان قهرمان با دستها و اراده مردم از زندان آزاد شد و پیروزمندانه با غرور و افتخار در میان محبت و شور مردم بی شمار تا خانه دخترش بدرقه شد.

صفرخان بعد از آزادی در مقابل جمهوری اسلامی موضعگیری انقلابی گرفت و تا دم مرگ معلم و همرمز انقلابیون شد و در خانه اش همیشه با شخصیتها و محافل سیاسی ملاقات داشت. صفرخان قهرمان زندگی سخت، پر هیجان و پر خطری داشت. او در سالهای آخر زندگی از سرطان و ناراحتی قلبی رنج می برد و با تاسف فراوان در اولین ساعات ۱۹ آبان او از نفس افتاد و در تاریخ ۲۲ آبان در گورستان امامزاده طاهر _ کرج به خاک سپرده شد. طولی نخواهد کشید که مزار او هر ساله در ۲۲ آبان شاهد ملاقات هزاران هزار آذربایجانی خواهد بود. اکنون صفرخان با ما نیست ولی یاد او همیشه در خاطره تمامی ترکهای آذربایجان و انسانهای بشر دوست و آزادیخواه زنده خواهد ماند و همچون ستاره ای درخشان در آسمان آذربایجان بر دلهای ما خواهد تابید.

صفرخان با چندین سال جنگ مسلحانه بر ضد استثمارگران، فرماندهی بخشی از نیروهای نظامی دولت مستقل آذربایجان، و ۳۲ سال مبارزه و پایداری در زندانها بعنوان با سابقه ترین زندانی در جهان، جایگاه قهرمانی را به اختصاص داد و به صف دیگر قهرمانان آذربایجان یعنی بابک خرمدین، حیدر عمواغلی، ستارخان و غیره پیوست.

صفرخان قهرمان فرزند راستین و وفادار آذربایجان بود که تمام زندگی خود را وقف آزادی و استقلال و دولت ملی آذربایجان کرد. شخصیت، زندگی و مبارزه صفرخان می تواند الگو و درس آموزنده ای به کمونیستهای آذربایجان و به تمامی انقلابیون رزمنده آذربایجان باشد که با همه قدرت و امکانات خود برای استقلال آذربایجان تلاش و مبارزه می کنند.

آل بایراق

azer_baijan@yahoo.co.uk

